

نرخ باروری ایرانیان طی ۳۳سال از ۷ به ۱/۷ فرزند رسیده است

خطر نبودن!

سعیده آل ابراهیم

s.aalebrahim@shahraranews.ir



خبر کوتاه بود، اما تامل برانگیز: بازهم رکورد ذرتی به چه قیمت؟ رکوردی که قطعا به نفع ما

طبیعی بود، زیرا سال‌هاست که مردم یا بچه نمی‌آورند یا زیر آ تعداد کمی فرزند دارند. اما اینکه چرا با وجود اینکه انسان در ذات خود به تشکیل خانواده و فرزندآوری مایل است و به خصوص در ایرانی که مردمش خیلی خانواده‌دوست و بچه‌دوست هستند، هنوز هم چنین آماری رسیده‌ایم، به نظر جوابش را باید در شاخص‌های زیادی از جمله رفاه اجتماعی، امید به زندگی و... جست‌وجو کنیم.

به قول فرزانه، آدم‌ها وقتی می‌بینند شرایط زندگی برای خودشان نامساعد و سخت است، منطقی‌اش این است که شرایط را برای آدم‌های دیگر سخت نکنند. او ادامه می‌دهد: به همین خاطر است که خیلی از زوج‌ها میل به فرزندآوری را در خودشان سرکوب می‌کنند. من هم مانند خیلی از دختران و زنان دیگر، آینده‌ای را برای خودم تصور می‌کردم که در آن فرزند داشته باشم. هنوز هم چنین آینده‌ای در پس ذهنم هست، اما به این نتیجه رسیده‌ام که حداقل فعلا نباید بچه‌دار شوم.

از آینده مطمئن نیستم

فرزانه می‌گوید: اینکه خودم به‌عنوان یک فرد درمورد وضعیت یک سال آینده‌ام از نظر اجتماعی و اقتصادی مطمئن نیستم و نمی‌دانم فردا صبح که از خواب بیدار می‌شوم، در کشورم چه تحولات اقتصادی و اجتماعی رخ داده است، اینکه هر روز قیمت‌ها بیشتر از قبل می‌شود و اینکه نمی‌دانم صاحب‌خانه سال آینده چقدر به اجاره خانه‌مان اضافه می‌کند و هزارویک مشکل دیگر، موجب می‌شود به باروری فکر نکنم.

به گفته فرزانه، آینده برایش مبهم است و چنین آینده‌ای موجب شده است که با غریزه مادری خود مقابله کند. او اضافه می‌کند: در کشورهای پیشرفته وقتی زن و مرد تصمیم به فرزندآوری می‌گیرند، بیشتر به سلامت، گذران دوره بارداری خوب و چنین موضوعاتی فکر می‌کنند، اما من نوعی اگر بخواهم باردار شوم، فکر و ذهنم به‌سمت مشکلات مالی می‌رود؛ اینکه چطور از پس خرج‌ومخرج بچه بر بیاییم. او بیان می‌کند: همسرم بیشتر از من سعی می‌کند دغدغه‌هایش را در ساره فرزندآوری نادیده بگیرد، اما من فکر می‌کنم ما حالا حالاها در کاهش آمار نرخ باروری سهمیم باشیم. او حرفش را با این جمله به پایان می‌رساند: «به نظرم آدم به امید زنده است؛ ما هم امیدواریم یک روز وضعیت بهتر شود و بتوانیم فرزند داشته باشیم.»

فرزندآوری با خواستن صرف محقق نمی‌شود هانیه که در دانشگاه رشته روان‌شناسی خوانده، به‌تازگی وارد دهه چهارم زندگی‌اش شده است. خودشان در آن زمان که همه فامیل، دوست و آشنا بچه زیاد داشته‌اند، دو فرزند بوده‌اند: «ما از این نظر که جمعیت‌مان

۱ ساختار سیاست‌های توسعه با توجه به سیاست‌های جمعیتی ایران، به‌سمت حمایت از خانواده تغییر کند و به‌جای فردمحوری به‌سوی خانواده‌محوری سوق داده شود. در این نظام حمایتی، نقش زنان باید بیشتر مدنظر باشد.

۲ در سطح خُرد، به کمک رسانه‌های جمعی و ابزارهای رسانه‌ای نوین، بر مسئولیت اجتماعی فرزندآوری درمیان زوجین و اقشاری که از شرایط اقتصادی و اجتماعی بهتری برخوردارند، تاکید شود.

۳ مخاطرات بی‌فرزند ی یا کم‌فرزند ی برای خانواده و خویشاوندی و مهم‌تر از آن کاهش نیروی کار در آینده و سالخوردگی جمعیت، کاهش نظام حمایتی از خانواده در دوران سالمندی و افزایش هزینه‌های تامین اجتماعی، اطلاع‌رسانی شود تا سطح آگاهی عمومی ارتقا یابد.

۴ به کمک سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های

کم بود، تک بودیم. یادم هست که هر کدام از اقوام دست‌کم سه بچه داشتند.»

او می‌گوید: خودم دو فرزند دارم که بچه بزرگم، در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کند. دوست دارم بازهم بچه داشته باشم، اما دوست داشتم نباید تنها دلیل بچه‌دار شدن خانواده‌ها باشد. عوامل زیادی در این موضوع دخیل است؛ به همین دلیل است که خیلی از زن و شوهرها را بچه‌دار شدن منصرف می‌شوند. او اضافه می‌کند: براساس دیده‌هایم، می‌گویم که اولین دلیل تمایل نداشتن به فرزندآوری، نبود رابطه خوب بین زوج‌هاست، زیرا هر کدام از طرف‌ها اطمینان ندارد که تا آخر عمر بتواند با همسرش زندگی کند و به همین خاطر دلیل می‌آورند که: «نمی‌خواهیم خودم‌مان را با یک بچه اسیر و پاینده این زندگی کنیم.» به گفته هانیه، دلیل بعدی، مشکلات اقتصادی اعم از حقوق و درآمد است یا اینکه بعضی افراد قصد مهاجرت دارند و داشتن فرزند مانع این مقصود می‌شود. او ادامه می‌دهد: بیشتر زوج‌های جوان نمی‌خواهند فشار و سختی تحمل کنند؛ به این دلیل که از بزرگ‌تراها و پدر و مادر خود شنیده‌اند که بچه‌داری کار سختی است و پدر و مادر را از تمام تفریحات خود محروم می‌کند.

تضمین آینده‌بچه‌بامشکلات‌مادی‌سخت‌است در نظر هانیه، مشکلات اقتصادی دلیل مهمی است. او می‌گوید: برای من و همه پدر و مادران، مهم است که بتوانیم آینده بچه‌مان را تضمین کنیم، اما با مشکلات مالی موجود خیلی سخت است. من اگر در کشور پیشرفته‌تری زندگی می‌کردم، شاید چهار فرزند می‌آوردم.

ثان با بچه می‌آید؟

زهرا در اواسط دهه ۶۰م‌مانی که بیست‌وسه‌ساله بوده، ازدواج کرده است و حالا دو فرزند دارد، در صورتی که والدین خودش ۹ فرزند داشته‌اند. اغلب خواهر و برادرهایش هم مثل خودش، بعد از ازدواج دو فرزند آورده‌اند، به غیر از یک خواهر و برادرش که به ترتیب چهار و سه فرزند دارند. او می‌گوید: در قدیم می‌شنیدیم هرکسی می‌خواست بچه‌دار شود و نگران مشکلات مالی بود، به او می‌گفتند: «بچه کم بیاید،

ناش را هم با خودش می‌آورد»، بنابراین خیلی از پدر و مادرهای ما برای فرزندآوری به مسائل مالی فکر نمی‌کردند. او درباره تعداد فرزندهای خودش بیان می‌کند: زمان ما شعار این بود که: «فرزند کمتر، زندگی بهتر» اما دروغ چرا؟ من و همسر با داشتن یک دختر و پسر، دیگر بچه نمی‌خواستیم. بچه‌هایم تا مدت‌ها اصرار می‌کردند که خواهر و برادر داشته باشند، اما ما نپذیرفتیم.

ایران از نظر میزان باروری در خطر است

مدیر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، رکوردداری ایران در کاهش نرخ باروری در طول تاریخ بشریت را که محققان غربی اعلام کرده‌اند، نیازمند تحقیق می‌داند تا دقت و صحت آن مشخص شود، با این حال محمد احمدیان در پاسخ به شهرآرا می‌گوید: صرف‌نظر از آمار و مطالعاتی محققان غربی مطرح می‌کنند، آنچه آمارهای داخلی در زمینه جمعیت نشان می‌دهد، این است که کشور ما از نظر میزان باروری در خطر است.

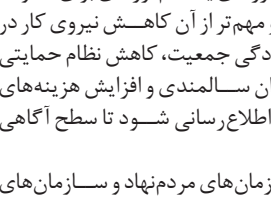
به گفته او «در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ نرخ باروری کلی در کشور حدود ۷ فرزند به ازای هر زن در سنین باروری بوده است، اما پس از آن در سال‌های بعد، باروری کلی با شتابی تند کاهش یافته، به‌طوری‌که در سال ۹۰ به ۱/۸ فرزند رسیده است». احمدیان البته اضافه می‌کند: «روند نزولی باروری در تمام دنیا اتفاق افتاده است» اما تصریح می‌کند: «بررسی‌ها حاکی از سرعت زیاد آن در ایران است. براساس آخرین آمارها، نرخ باروری کلی کشور در سال ۹۸، به حدود ۱/۷ فرزند رسیده است.»

او در توضیح علل کاهش فرزندآوری در ایران می‌گوید: می‌توان به عواملی مانند تغییر سبک زندگی مردم، رواج فرهنگ تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و شاید نداشتن برادرهایش هم مثل خودش، بعد از ازدواج دو فرزند آورده‌اند، به غیر از یک خواهر و برادرش که به ترتیب چهار و سه فرزند دارند. او می‌گوید: در قدیم می‌شنیدیم هرکسی می‌خواست بچه‌دار شود و نگران مشکلات مالی بود، به او می‌گفتند: «بچه کم بیاید،

برای خروج از بحران چه کنیم؟

دولتی و خیران تقویت‌کننده بنیاد خانواده، نظام حمایتی منسجم و مستمر برای ازدواج آسان تر و فرزندآوری کم‌هزینه ایجاد شود.

۵ بر برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای به شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی مناطق روستایی و مناطق کم‌برخوردار توجه شود و سیاست‌های مناسب بررسی کنیم و از آن‌ها الگو بگیریم.



عصمت، دختری که زندگی‌اش در گرو باتری‌هاست

نجات پیدا کند یا... از هشت‌سالگی دچار این درمی می‌شود؛ دردی ژنتیکی که باعث کنترل نداشتن بر اندام‌های می‌شود و حرکت‌های غیرارادی ایجاد می‌کند. به‌قول خودش این قدر حرکت‌ها غیرارادی بودند که یک جانی توانست بنشیند. تا پانزده‌سالگی بسا این درد روزگار می‌گذراند و از همه کس و همه‌چیز می‌ترس، از درس، از دوستان و از تمام میهمانی‌ها، تاحدی که به عروسی خواهرش هم نمی‌رود. با درد دست‌وپنجه نرم می‌کند اما ناامید نمی‌شود. از پزشکان مشورت می‌گیرد تا اینکه سرانجام دکتر بقری، فوق تخصص مغز و اعصاب کبودکان و نوجوانان، که پزشک چندین‌ساله اوست، راهی جلو پایش می‌گذارد؛ راهی که به‌قول خود عصمت، او را شبیه به سربازها کرده بود. راهی که زندگی‌اش را تغییر داد و حالا او را به دختری عادی اما کنترلی تبدیل کرده است؛ کنترل و باتری‌هایی حیاتی که به قول مادرش از هر طلا و جواهری برای آن‌ها مهم‌تر است. با عصمت و خانواده‌اش به گفت‌وگو نشستیم.

کد رویه‌رو را اسکن کنید و شرح حال این دختر را از زبان خودش ببینید و بشنوید.



عکس: سعید گلپا شهرآرا

از طریق فرزندآوری بیشتر و بهنگام اشاره کرد. به گفته او «توقعات نامتناسب و بیش از اندازه جوانان از نظر تامین شدن همه امکانات مادی و رفاهی، تبلیغات مسموم رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های غربی در زمینه اراشه و نمایش سبک زندگی تجمل‌گرایانه غرب و مشاهده رسانه‌ای ماهواره‌ای غرب از سوی برخی جوانان، تلاش دشمن در تغییر ذائقه جوانان و در نهایت موانع و محدودیت‌های اقتصادی جامعه و...» در رسیدن به چنین شرایطی خیلی نقش داشته است.

مدیر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس معاونت بهداشت دانشگاه علوم پزشکی مشهد، رکوردداری ایران در کاهش نرخ باروری در طول تاریخ بشریت را که محققان غربی اعلام کرده‌اند، نیازمند تحقیق می‌داند تا دقت و صحت آن مشخص شود، با این حال محمد احمدیان در پاسخ به شهرآرا می‌گوید: صرف‌نظر از آمار و مطالعاتی محققان غربی مطرح می‌کنند، آنچه آمارهای داخلی در زمینه جمعیت نشان می‌دهد، این است که کشور ما از نظر میزان باروری در خطر است.

به گفته او «در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ نرخ باروری کلی در کشور حدود ۷ فرزند به ازای هر زن در سنین باروری بوده است، اما پس از آن در سال‌های بعد، باروری کلی با شتابی تند کاهش یافته، به‌طوری‌که در سال ۹۰ به ۱/۸ فرزند رسیده است». احمدیان البته اضافه می‌کند: «روند نزولی باروری در تمام دنیا اتفاق افتاده است» اما تصریح می‌کند: «بررسی‌ها حاکی از سرعت زیاد آن در ایران است. براساس آخرین آمارها، نرخ باروری کلی کشور در سال ۹۸، به حدود ۱/۷ فرزند رسیده است.»

او در توضیح علل کاهش فرزندآوری در ایران می‌گوید: می‌توان به عواملی مانند تغییر سبک زندگی مردم، رواج فرهنگ تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و شاید نداشتن برادرهایش هم مثل خودش، بعد از ازدواج دو فرزند آورده‌اند، به غیر از یک خواهر و برادرش که به ترتیب چهار و سه فرزند دارند. او می‌گوید: در قدیم می‌شنیدیم هرکسی می‌خواست بچه‌دار شود و نگران مشکلات مالی بود، به او می‌گفتند: «بچه کم بیاید،

در نهایت این پیشنهادها باید موجب افزایش سطح اقتصادی خانواده‌ها و کاهش هزینه‌های فرزندآوری، ایجاد فرصت‌های مناسب تربیتی خانواده، افزایش ارزش فرزند و فرزندآوری، افزایش مسئولیت اجتماعی فرزندساز و به‌ویژه در طبقات برخوردارتر، افزایش و بهبود خدمات اجتماعی و بهداشتی، کاهش بار مسئولیت زنان در حوزه اقتصادی و در مجموع توجه به تشکیل خانواده، تحکیم خانواده، توسعه خانواده(فرزندآوری) و تعالی خانواده در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شود و سیاست‌های خانواده‌محور را تقویت کند. هماهنگی و انسجام در رسیدن به این هدف ضروری است. برای دستیابی به این هدف باید دولت، مجلس و تمام سازمان‌های مرتبط از مرحله طرح موضوع و راهکار، وارد مرحله عمل شوند.



عکس: سعید گلپا شهرآرا

شهرآرا

روزنامه شهرآرا-سید وزندگی

شنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۹ ۱۳۳۵ شمسه ۳۱۵۴ شماره

SHAHRARANEWS.IR

۵۵

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

تعدی دنباله‌دار مردودین خبیث

وقایع و اخبار مملکت خراسان، و از وقایع تازه در آن مملکت از قرار ی که نوشته بودند این است که سلطان علی خان مظفرالدوله و شیرعلی خان و محمداکرم خان افغان که از کاب مبارک مرخصی حاصل نموده به اوطان خود معاودت نمودند با آنکه سرکار



سید مهدی سیب‌قویی کارشناس مطبوعات

النفات فرمودند و علاوه‌بر اخراجات ایام توقف، قریب پنج هزار تومان وجه نقد در وقت رفتن به آن‌ها النفات نمودند طینت زشت و بدی سرشت، محرک آن‌ها شد که در عرض راه هر جا فقیری را دیدند اذیت کردند و به هر قریه رسیدند دست تعدی برآوردند. اخراجاتی که از مردم گرفتند در وقت مطالبه قیمت دشنام در عوض دادند و به هر قافله بر خوردند که ضعیف و فقیر شمرند دست به تاراج برگشادند. به این‌ها قناعت نکرده، سید نجفی را که به زیارت رفته مراجعت می‌نمود در منزل ولوات‌آباد کتک بسیار زدند و از آن‌جا که اجل سید در آن ساعت نرسیده بود نیم‌جانی به‌در برده با زوار روانه شد ولی آن مردودین خبیث پس از اینکه زوار به قدر نیم‌فرسخ از منزل مزبور دور شدند محمداکرم خان و شیرعلی خان تنی چند از همراهان خود برداشته به تعاقب زوار تاختند و به سید که از صدمه ضرب آن‌ها عقب مانده بود رسیده گشتند. از آن‌جا گذشته، آدم عباس خان بیگلربیگی مشهد که به خراسان می‌رفت، به خیال خود چنان دانست که این‌ها جمعیتی دارند با این‌ها مراقت جست، در منزل میامی طمع به اسب و مال آن بیچاره نموده به خاک هلاکشی درآنداختند. باری در عرض راه هر چه در هر جا یافتند توانستند بردند. از جمله یک‌بار قماش فرنگ از سید تاجری که به تجارت می‌رفت گرفته به غارت بردند. بدین منوال همه‌جا می‌رفتند تا به نیشابور رسید در میان بازار دو نفر از نوکر هاشان که قاتل سید عرب نجفی بودند قتل سید را در کوچه و بازار در کمال جرئت و جسارت بیان نمودند. مردم نیشابور آن دو نفر را به حکم پرویزمیرزا احاکم آنجا محبوس ساختند. محمداکرم خان و شیرعلی خان جرئت رفتن به مشهد ننموده از سبزوار و نیشابور هر یک به جانب اوطان خود شتافتند. سلطان علی خان به مشهد رفت. به اینکه عرضه‌چی زیاد از دنبالش روان و دوان بودند محض احترام او عضدالملک و شهاب‌الملک اعتنایی ننمودند تا سید تاجر صاحب‌مال رسیده مال خود را هم در دست آن‌ها دید. عارض گردید. شهاب‌الملک آدمی با سید نزد سلطان علی خان روانه ساختند. وقت به‌طور خوش برای اسکات سید قرار ی دهند. سومند نیفتاده در وی اثر نکرد. عجیب‌تر آنکه روزی سلطان علی خان سید را در کوچه نزدیکی روضه منوره دیده ستیزه و دشنام آغاز کرد که چرا عارض شدی و به این اکتفا نکرد طنایی به گردن سید بسته کیشان بستان به باباقدردت که منزل او می‌برد و مردم از بیم مؤاخذه اولیای دولت جرئت استخلاص او را ننمودند. عضدالملک و شهاب‌الملک هم برای بازدید معدن رفته بودند. سید فقیر که خود را در دست او ظالم اسیری می‌بیند در بیرون دروازه فریاد برمی‌آورد و سواره سنجاقبری که به‌طور قراسورانی و حفظ و حراست اطراف شهر مأمورند بانگ و ناله سید را شنیده خود را برای استخلاص سید به آن مکان رساندند. هر قدر خواستند به نوعی خوش بدون زحمت و اذیتی سید را خلاص نمایند مفید نیفتاد هر چند آن سواره نرمی کردند درشتی دیدند و هر قدر به ملاطبت رفتار نمودند ملامت در گفتار شنیدند. آخر کار به نزاع انجامیده سلطان علی خان یکی از سواره را با گلوله طیانچه از پا درآنداخت و دیگری را هم با شمشیر محروم ساخت. سواره که این رفتار را دیدند سید را جبراً آه‌ترا مستخلص نموده به خود او نیرداختند ولی دو نفر آدم‌های او را در عوض مجروحین خود گرفته محبوس ساختند تا عضدالملک و شهاب‌الملک وقت شب از سر معدن مراجعت کردند. جماعت سواره دآوری نزد شهاب‌الملک آوردند. شهاب‌الملک علی‌الصباح سلطان علی خان را به منزل خود آورده در مقام تحقیق مسئله و نصیحت وی درآمد. او در جواب به‌جای معذرت از این همه مخالفت آغاز در شستی کرده سخنان رکیکه گفتن گرفت. مردم شهری هم جمعی از غرب و بومی حاضر شده تلافی سید تاجر را مطالبه می‌کردند. در این اثنا آن دو نفر قاتل سید عرب نجفی را که از نیشابور گرفته شده بودند در آن جمع و ملاعام از آنان بنای سوال و تحقیق شد. با کمال جرئت اظهار به این‌گونه جسارت خود نموده. شهاب‌الملک حکم به قصاص کرده آن دو نفر از قید حیات خلاص شدند و سلطان علی خان را در مشهد نگاه‌داشته مراتب را به عرض اولیای دولت رساند. از جانب سنی‌الجواب امر و مقرر شد که خود سلطان علی خان اگر چه با این همه هرگز و شرارت که مرتکب شده بایستی مورد سیاست شود اما باز به ملاحظه حقوق اسلافش همین قدر حکم شد که مال سید تاجر را از او استرداد نموده خود او را قراول بفرستند. به سید سلطان احمدخان حاکم هرات بسیارند که او را صحتیاسالما به موطن خودش برسانند که دیگر در راه مرتکب شرارتی نشود.

روزنامه دولت علیه ایران

شماره ۴۲۲/۱۹ صفر ۱۲۷۷

می‌توان به عواملی مانند تغییر سبک زندگی مردم، رواج فرهنگ تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی و شاید نداشتن باور و اطلاع دقیق همگانی از عواقب منفی تحولات فعلی در دهه‌های آینده و متأسفانه کاهش مسئولیت‌پذیری جوانان به‌منظور اقدام به‌اندکام و به‌نگام و اقدام جدی به تشکیل خانواده و هم‌چنین حراست، تقویت و تحکیم بنیان خانواده

از طریق فرزندآوری بیشتر و به‌نگام برای کاهش اشاره کرد.

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه

جامعه